

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

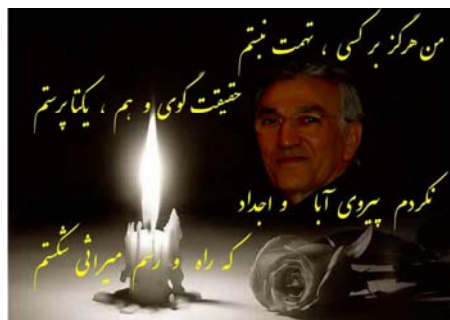
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۳۰ جولای ۲۰۱۸



محترم حداد صاحب گرامی شاعر خوش قریحه با طبع روانتر از آمو از محبت تان نهایت سپاس و شکران،

اما بعد درود های بیکران ، منظور تان را نفهمیدم

چی را گفتمی، به دستانم ببینی
بگو، منظورت از (سجده) چه باشد
پی معنی، شدم آواره هرسوی
به لغتنامه ها هم، جست و جو شد
به انترنت دودیدم روز و هر شب
شمال و گه جنوب و شرق و گه غرب
بسی اندیشه کردم در زمینه
و بعد از گفتگو و پرس و جو ها
که شاید نشئه در وقت نوشتن
اگر (سجده) ترا منظور باشد
عذاب و کشمش و انگور و خرما
به هر آنی که آید اشتهایم
خلاصه مقصدت واضیح بنویس
اگر خواهی شوی با ما معاشر
مترس از پاسخ منظوم «نعمت»

که با آن، شاد و خندانم ببینی
که با یکدانه، حرمانم ببینی
چو سنگی در پلخاتم ببینی
چرا؟ نو مید و حیرانم ببینی
ز چه خواهی، پریشانم ببینی
تَبَاب* و یا به خسرانم ببینی
قلم گفتا! به جولانم ببینی
بالاخر، مشکل آسانم ببینی
به (د) و (ت) دلنگانم ببینی
چرا، نه زیر دندانم ببینی
به خروار، هر دم و آنم ببینی
یکی نه، بل هزارانم ببینی
به پاسخ، می نه عصیانم ببینی
وفابر عهد و پیمانم ببینی
نهایت روح و ریحانم ببینی

* تَبَاب = متضرر شدن، زیان کردن

چی را گفتی، به دست‌انم بینی
 بگو، منظور از (سجده) چه باشد
 پی‌معنی شدم، آواره هر سومی
 به لغت‌نامه ما هم، جست و جوشد
 به اینترنت دویدم روز و هر شب
 شمال و که جنوب و شرق و که غرب
 بسی، اندیشه کردم در زمینه
 و بعد از گفتگو و پرس و جو
 که شاید شده در وقت نوشتن
 و کمر (سجده) ترا منظور و مقصد
 عناب و کشمش و انگور و خرمای
 به هر آنی که آید اشتهایم
 خلاصه مقصدت واضح بنویس
 اگر خواهی شوی، با ما معاشر
 مترس از پاسخ منظوم «نعمت»

که ما آن، شاد و خندانم بینی
 که با یکدانه، حیرانم بینی
 چو سنگی، در پلنچانم بینی
 چرا؟ نو مید و، حیرانم بینی
 ز چه خواهی، پریشانم بینی
 تباب (۱) و یا به خسرانم بینی
 قلم گفتا! به جولانم بینی
 بلا حشر، مثل آسانم بینی
 به (د) و (ت) دلگانم بینی
 چرا نه، زیر دندانم بینی
 به خروار، هر دم و آنم بینی
 یکی نه، بل هزارانم بینی
 به پاسخ، می نه عصیانم بینی
 و فابره عهد و پیمانم بینی
 نهایت روح و ریحانم بینی

(۱) تباب = مفر شدن، زیان کردن